

# فقه و مصالح عرفی

حسین صابری

تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان

بوتنام کتب  
۱۳۸۴

## چکیده

جستار حاضر در زمرةٰ پژوهش‌های بنیادی در گسترهٰ فلسفهٰ فقه به شمار می‌آید و بر آن است که از راه نظریهٰ پردازی‌های نو و موشکافانه به پرسمان‌های نوپیدا پاسخ گفته و با نگرشی نوین، راه کارهایی کارآمد و سازگار با موازین اسلام ناب را ارایه داده و چالش‌های فراروی پژوهش‌گران، نظریهٰ پردازان و دولت مردان نظام اسلامی را در این عرصه از میان بردارد.

این نوشتار با چنین رویکردی پیرامون مفهوم «مصلحت» دست به کاوش زده و به منظور روشن سازی قلمرو مفهومی و جایگاه مناسب آن در دانش فقه ضمن ارایهٰ دسته بندهای گوناگون، آن را به عنوان یکی از مصادر تشریع اسلامی مطرح و به نقش ارزشمند آن در استنباط احکام تصریح و پیوند تنگاتنگ آن را با عرف نمایانده است و با ارایهٰ ی شماری از موارد استناد به عرف در فقه شیعه و سنی در مسیر ایجاد و فاق میان آن‌ها گام برداشته و با این حال تلاش دارد که در ورطهٰ هولناک اجتهاد به رأی و سکولاریزم دینی نیفتند و در نهایت بار دیف کردن چالش‌های فراروی نهادینه شدن «مصلحت» به عنوان مصدر استنباط حکم در صدد ارایهٰ راه کارهایی برای شناخت ملاک مصلحت و مرجع تشخیص دهندهٰ آن برآمده است.

کلید واژه‌های اصلی: احکام دین، احکام حکومتی، استصلاح، استنباط، تبدل احکام، تبدل مصالح، تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، عرف، مقتضیات زمان و مکان، نهاد تشخیص مصلحت.

## فهرست مطالب

۱۱.....	سخنی با خواننده
۱۳.....	یادداشت آغازین

### فصل اول: کلیات

۱۷.....	مصلحت
۲۴.....	اقسام و مراتب مصلحت یا مقاصد
۲۶.....	دسته‌بندی مصلحت به لحاظ قوّت یا مرتبه آن
۲۹.....	دسته‌بندی مصلحت به لحاظ مزاحمت یا عدم مزاحمت آن با مفسدہ
۳۱.....	دسته‌بندی مصلحت به لحاظ سرای تحقق آن
۳۲.....	دسته‌بندی مصلحت به لحاظ طرف آن
۳۳.....	دسته‌بندی مصلحت به لحاظ مقام و قلمرو
۳۳.....	ا) مصلحت در مقام تشریع حکم
۳۴.....	ب) مصلحت در مقام کشف و استنباط احکام نوین
۳۸.....	ج) مصلحت در مقام امثال
۳۹.....	دسته‌بندی به لحاظ اعتبار یا عدم اعتبار در نگاه شرع

### فصل دوم: مصلحت واقعی و تشریع احکام

۴۴	ابتنای احکام بر مصالح و مفاسد
۴۷	احکام، تابع مصالح
۵۴	استدلال بر وجود مصالح در احکام شرع
۵۴	استدلال بر مسلک معزالی
۵۵	استدلال بر مسلک اشعری
۵۹	«کلما حکم به الشرع حکم به العقل»

### فصل سوم: استنباط و مصلحت

۶۶	بررسی دیدگاه‌ها
۷۲	درنگی بر ادلّه
۷۲	ادله مخالفان
۷۷	ادله موافقان
۸۳	شیعه و مصالح مرسله
۹۴	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

### فصل چهارم: عرف و مصلحت

۹۷	جایگاه عرف در استنباط
۱۰۳	استناد به عرف در فقه
۱۱۵	عرف و تفکیک دو حوزه
۱۲۹	شیعه و حدیث تفکیک
۱۳۲	تحکیم عرف و مسئله زمان و مکان

## فصل پنجم: مصلحت و پیامدها

۱۳۳	تبذل مصلحت و تغیر احکام
۱۳۸	تبذل مصالح و فقه زمان و مکان
۱۵۱	امام خمینی <small>ره</small> و فقه زمان و مکان
۱۵۶	ثابت و متغیر

## فصل ششم: مصلحت و چالش‌های فرا روی

۱۶۵	چالش تعبد و تعلیل
۱۶۸	عبادات و تعبد
۱۷۸	معاملات و تعلیل
۱۹۴	چگونگی آگاهی از مقاصد شریعت
۱۹۹	منافق شارع
۲۰۶	ضوابط مصلحت
۲۲۱	نهاد تشخیص دهنده مصلحت
۲۳۵	چکیده سخن
۲۴۳	فهرست‌ها
۲۴۵	آیات
۲۴۷	روايات
۲۴۹	اصطلاحات
۲۶۱	کتاب‌ها
۲۷۴	کسان
۲۸۶	مکان‌ها
۲۸۷	نمایة موضوعی
۳۱۱	کتاب‌نامه

## سخنی با خواننده

مطالعات فقهی در دو رده کلی طبقه بندی می شدند: رده نخست شامل مباحث و مسائل درون فقهی است که دانش ارجمند فقه را شکل می دهد. دسته دوم، مطالعاتی از جنس معرفت های درجه دومی اند که به فقه و دستگاه تفقه به مثابه یک دانش و از بیرون، نگاه می کند. این جست و جوهان نسبت به دسته اول تقدّم رُتبی دارند چه آن که با تعیین تکلیف در این بخش است که می توان در حوزه احکام و گزاره های دستوری، به نتایج مستدل و قابل قبول دست یافت. به همین جهت است که تلاش در پاسخ گویی به پرسمان های نوپیدا که دم به دم تازه می شوند، به خودی خود و به دون نظریه پردازی های مفید و کارگشا در بخش دوم، یک امر فراسایشی و انعکاسی خواهد بود.

از همین رو، گروه پژوهشی فقه دفتر خراسان چندی است که بیشتر دامنه فعالیت های فقهی خود را معطوف به مطالعات فلسفه فقهی کرده است که اثر حاضر نیز در همین راستا، تعریف می شود.

مسئله مصلحت و عرف گرچه پیشینه ای به بلندای تاریخ فقه و اصول - به ویژه در مکتب های فقهی اهل سنت - دارد، اما همچنان نیازمند رویکردی تازه و موشکافانه است، مخصوصاً در دستگاه استنباطی شیعه، چرا که علی رغم پذیرش قاعدة تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعیه در رهیافت شیعی، غالباً با یک نگاه

«آنی» بدان پرداخته‌اند نه یک نگرش «لمی» مثلاً گفته‌اند: فلان عمل واجب شده، پس حتماً دارای مصلحت است. نه این که چون فلان رفتار، مصلحت دارد، پس باید واجب باشد.

همچنین جایگاه عرف نیز از سطح یک تعیین کننده مصدق یاروشن کننده یک مفهوم گُنگ، عمدتاً فراتر نرفته است.

آمیختگی مفهوم مصلحت و عرف، چیزی است که امروز به آن سکولاریزم دینی می‌گویند یعنی روشی برای یافت گزاره‌های دینی که مُبتنی بر مصالح عرفی و پذیرش عقلانی است که بحثی است حساس و پُرخطر. از یک سو تغیریط در آن، نقش تحولات اجتماعی، رویدادها، پیشرفت‌های علوم و تفاوت‌های زمانی، مکانی و اقلیمی را نادیده می‌انگارد و در نتیجه به یک فقه ایستاو ناکار آمد منتهی می‌گردد و افراط در آن نیز که یک نوع فقه المصلحة اطلاقی است، به نسبی‌گرایی و نفی گزاره‌های ثابت دینی منجر می‌شود. از این‌رو، تلاش در جهت تبیین و تحدید دقیق مصلحت در حوزه احکام و عرفی‌سازی آن، از مباحث مهمی است که نویسنده اندیشمند آن جناب آقای دکتر حسین صابری به خوبی - لاقل در بخش‌های زیادی از مسأله - از عهده‌اش برآمده‌اند.

امید است پژوهشگران گرامی در تداوم، ژرفکاوی و استحکام این‌گونه مباحث، مرا یاری کنند.

انشاء الله

گروه پژوهشی فقه

معاونت پژوهش دفتر تبلیغات اسلامی خراسان

## یادداشت آغازین

در این حقیقت تردیدی نیست که افعال الهی، هدفمند و احکام شرعی هم که از جانب او به بشر رسیده در پی رسیدن به مقصد یا مقاصدی است، که با مصالح انسان به عنوان خلیفة خدا سازگاری دارد یا اساساً بر آن انطباق می‌یابد.

پس می‌توان گفت: احکام دین که از جانب خدای حکیم است، در پی تحقق بخشیدن به مصلحت‌هایی برای بشر است. در این کلیت، صرف نظر از نزاع‌های مبنایی و اختلاف‌هایی در چگونگی بیان و چرایی این امر، اختلاف محتوایی مهمی وجود ندارد. اما آیا می‌توان با تکیه بر این پایه که شارع در پی مقاصدی است و به مصالحی نظر دارد، در کار استنباط، به اصل مصلحت روی آورد و از رهگذر استصلاح، به فهم گزاره‌هایی جدید یا وضع مفرراتی نوین دست یازید؟ اگر چنین چیزی امکان‌پذیر باشد پیوند این استصلاح و ارتباط آن مصلحت با عرف و تشخیص عرفی چیست؟ و آیا اصولاً می‌توان تمایزی میان قلمروهای مختلف در این عرصه یافت؟ اگر چنین تمایزی یافت شود، حدود و ابعاد آن چیست؟ و اگر با هر معیار به مصلحت‌گرایی در فقه، میدان داده شود چه معیارهایی بر این پدیدار، حاکم خواهد بود؟ اینها و پرسش‌هایی از این دست، مسائلی است که در جستارهایی از

دیرین‌ترین تا امروزی ترین بررسی و کاویده شده‌اند و به آنها در هر مذهب و مسلکی بر پایه اصول و پیش‌فرض‌هایی کلامی، پاسخ یا پاسخ‌هایی داده شده است و بدین‌سان هر چند برخی مذاهب، چون مذهب مالکی پرچمدار استصلاح شده‌اند، اما این بحث کمابیش در آثار اصولیان مورد توجه قرار گرفته و آثار ارزشمندی ناظر به همین موضوع و مبحث پدید آمده است: از آثار کهنی چون المواقفات شاطبی، القواعد ابن عبدالسلام و اعلام الموقعن ابن قیم گرفته تا آثار جدیدی چون فقه الاولیات و کیلی (۱۴۲۱ق.) و مقاصد الشريعة علوانی (۱۴۲۶ق.).

در این میان نزد شیعه نیز موضع عمومی نفی ساز و کارهایی جز آنچه به کشف متن و مفهوم آن مربوط می‌شود بوده است، اما در دهه‌های اخیر و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و قرار گرفتن فقه شیعی بر کرسی حکومت و به تبع آن رویارویی با پرسش‌هایی که قاعده‌تاً فقه فردگرایی کهن با آن مواجه نبوده، توجه به مصلحت نیز ضرورت یافته و افزون بر اهتمام عملی جدی به مصلحت در فقه، جستارهایی نیز در زمینه مصلحت‌گرایی، استناد به مصلحت و همچنین عرف و دخالت آن در این حوزه انجام یافته است. با این همه و به رغم انتشار نمونه‌هایی از جستارهای معاصر ذرا این‌باره، هنوز بخشی از پرسش‌ها که در زمینه فقه، مصلحت و عرف وجود دارد؛ بی‌پاسخ مانده یا پاسخ‌هایی که بدانها داده شده در خور تأمل دوباره یا ساماندهی نوین است.

جستار حاضر نیز نمونه‌ای از این دست است که اگر نگوییم کاستی‌ای را از آنچه در جستارهای پیشین به چشم می‌آید از میان برداشته، دست‌کم نگاهی متمايز به این مباحث به ویژه مباحث مربوط به عرف و تمایز قلمروها